

بازنگری در نقد و تصحیح متون

که نسخه‌نویسی و کتاب‌آرایی در ایران راه و روشی کاملاً هنری و نیز علمی پیدا می‌کند. از یک سو این همه سعی و کوشش درحوزه نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی و از دیگر سو سیره علمی دانشمندان و طالبان علم در جهان اسلام که بر پایهٔ وسواسهای علمی به نسخه‌نویسی و مقابله و اصلاح نسخه‌های آثار مورد نظر می‌پرداختند. «معجزه کتاب» را در جهان اسلام به «تمدن کتاب باورانه» پیوند زد و میراثی بر جای گذاشت به نام «نسخ خطی» که این میراث گرانبگر قطعاً سزاوار احیا و پاسداری است. زمانی می‌توان به این مهم نایل آمد که به دور از تعصبات و با دیدی عالمانه از نظریه‌پردازی‌های علمی نسخه‌شناسانه و تصحیح انتقادی متون آگاهی یافت. این مقوله که همواره موردنظر اندیشمندان بوده به قلم مرحوم زرین کوب چنین مورد تأکید قرار گرفته است:

«فضلا و ادیبان ما باید زودتر بجنبند و ته ماندهٔ بساط متون فارسی را، که هنوز عرصهٔ دستبرد فرنگی نشده است، طبع و تصحیح کنند و رسم و طریقهٔ طبع و نشر کتابفروشیهای بازار بین‌الحرمین را، با صورتی مطبوع‌تر و بدیع‌تر، تجدید و احیا نمایند. آخر، اگر قرار شود در نقد و تصحیح متون فارسی هم، از قانون و تربیت فرنگیها تبعیت بشود و رسم و شیوهٔ شارحان و ادیبان خودمان منسوخ و متروک گردد، کار به دست ناهلان می‌افتد و زبان فارسی عرصهٔ خطر می‌شود» (زرین کوب، ۱۳۵۱، ص ۱۹).

از جمله اساتیدی که در احیای نسخ خطی و شناساندن شیوه‌های علمی نسخه‌شناسی سعی و اهتمام نموده نجیب مایل هروی است. از آثار ارزشمند وی می‌توان به کتاب آرای در تمدن اسلامی، تاریخ نگارشهای خانقاهی به زبان فارسی، تاریخ سیاسی زبان فارسی، تاریخ تصوف در ایران، سایه به سایه، تصحیح مذكر احباب و تصحیح شرح مثنوی مولوی و تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های



- تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی
- نجیب مایل هروی
- کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰

○ راضیه یوسفی نیا

تعدادی از نسخ آثار چینی به ایران وارد شد، این آثار در اواسط و اواخر سدهٔ هفتم ه. ق. در کتابخانهٔ مراغه و نوشتارخانه ربع رشیدی در تبریز شناخته شده است. از همین دوران است

تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح متون در کشورهای اروپایی به قرن پانزدهم میلادی باز می‌گردد. در این دوره، کار تصحیح متون به صورت پراکنده صورت می‌پذیرفت و راه و روش مشخصی برای این کار وجود نداشت. این شیوه تا اواسط قرن نوزدهم معمول بود تا اینکه برای نقد و تصحیح متون و انتشار کتب قدیمی، قوانین و اصولی وضع شد. نخستین قوانین از ادبیات یونانی و لاتینی استنباط شده بود. از این رو، درک این قوانین برای کسانی که آشنایی با زبان یونانی و لاتینی نداشتند مشکل بود. سرانجام مستشرقانی چون برگستراسر، بلاشر^۲ و سواژه دربارهٔ این موضوع مقالات و کتاب‌هایی به رشتهٔ تحریر درآوردند که سرآغازی بود برای روش علمی تصحیح متون کهن.

گذشته از اروپاییان که به این مقوله پرداختند، جهان اسلام از جهت قداستی که برای کتاب قایل بود و آن را معجزهٔ خداوند برای رسولش تلقی می‌کرد با توجهی خاص به این مهم همت نهاد. تمدن اسلام که با معجزهٔ کتاب پا به عرصهٔ جهان بشری گذاشت، با خاصیت غالبش رو به رشد و تعالی نهاد. یافته‌ها و پدیده‌های مربوط به کتاب که در تمدنهای باستانی یونان، ایران و چین مجال طرح یافته بود، اندک اندک به این خاصیت غالب در تمدن اسلامی نزدیک شد.

ابتدا در بیت الحکمه پدیده‌های مربوط به نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی یونانی و اسکندرانی توجه مترجمان و نسخه‌پردازان را به خود معطوف داشت. بعدها وجود نسخه‌های آثار مانوی در نخستین قرون هجری نیز نظر مسلمانان نسخه‌پرداز را به خود جلب کرد. البته آثار مانوی صدها سال پیش‌تر به چین راه یافته و موردتوجه چینیان قرار گرفته بود. در سدهٔ هفتم ه. ق. از طریق نسخه‌های معیار آثار، به تکثیر و انتشار نسخ نگارشهای موردنظرشان همت گماشتند. بعدها در زمان حملهٔ مغول

فضلا و ادیبان ما باید زودتر بجنبند و ته مانده بساط متون فارسی را، که هنوز عرصه دستبرد فرنگی نشده است، طبع و تصحیح کنند و رسم و طریقه طبع و نشر کتابفروشیهای بازار بین الحرمین را، با صورتی مطبوع تر و بدیع تر، تجدید و احیا نمایند. آخر، اگر قرار شود در نقد و تصحیح متون فارسی هم، از قانون و تربیت فرنگیها تبعیت بشود و رسم و شیوه شارحان و ادیبان خودمان منسوخ و متروک گردد، کار به دست ناهلان می افتد و زبان فارسی عرصه خطر می شود

نسخه جویی و نسخه یابی (سرگذشت نسخه های خطی، انتقال نسخه های خطی و...)، تاریخ تصحیح نسخ خطی و اهمیت و ضرورت آن (ضرورت تصحیح متون، روش نادرست برخی مصححان، مصداق علمی تصحیح متون و...)، آمیخته ها و آموخته های مصحح (خصیصه های مصحح، مصحح متخصص، روشمند بودن کار مصحح و...)، مراحل و روشهای تصحیح نسخ خطی (هدف نقد و تصحیح متون، مراحل تصحیح نسخه های خطی، متون روایی، تجدید تصحیح متون ادبی و...)، سازواره نسخه بدلها (جایگاه نسخه بدلها، وجه نسخه بدلها، جایگاه اختلاف نسخه ها و...)، پژوهش نامه انتقادی مصحح (مصحح در جایگاه منتقد، نقد تاریخی متون، ضرورت نمایه نویسی در تصحیح متون و...) است.

در انتهای این کتاب وزین، از آن جهت که نسخه شناسی از جمله فنونی است که اگر با شناخت دیداری توأم گردد اثربخش تر خواهد بود، بخشی با عنوان «نسخه شناسی به روایت تصویر» ضمیمه است که شامل ۴۴ تصویر از نظریه های نسخه شناسی است. همچنین نمایه ای از مفاهیم و اصطلاحات و فهرست کتابها و رساله ها پایان بخش این کتاب است.

مأخذ:

زرین کوب، عبدالحسین، یادداشتها و اندیشه ها از مقالات، نقدها و اشارات. تهران: جاویدان، ۱۳۶۲.

پی نوشت:

1. Bergstraesser
2. Blachere
3. Sauvaget

خطی اشاره کرد. کتاب اخیر که از جمله جدیدترین آثار مؤلف است در حدود یک دهه قبل یعنی در سال ۱۳۶۹ با عنوان نقد و تصحیح متون به همت انتشارات آستان قدس رضوی منتشر گردید. این کتاب ارزشمند که بر پایه نظریه پردازی های علمی نسخه شناسانه و تصحیح انتقادی تک تک اجزای آن میراث وزین به رشته تحریر درآمده بود به منزله راهنمایی جهت علاقه مندان به نسخ خطی با استقبال بی نظیر دانشجویان و محققان مواجه شد.

پس از سالها، کتابخانه مجلس شورای اسلامی پیشقدم شد و از مؤلف کتاب دعوت کرد تا با نگرشی دیگر، بخش نسخه شناسی نسخ خطی را تألیف کند و بخش تصحیح انتقادی نسخه های خطی را با تجدیدنظر و افزونی و کاستیهای لازم بر اثر پیشین بیفزاید. حاصل این تلاش و ویرایش جدیدی است که با عنوان تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی در ۶۷۲ صفحه منتشر شده است.

این کتاب دو بخش و پانزده فصل دارد. بخش اول کلیات نسخه شناسی و بخش دوم تصحیح نسخه های خطی است.

مباحث بخش اول شامل: نسخه خطی و گونه ها و انواع آن (تعریف نسخه، نسخه اصل، نسخه مشکول و...)، کانونهای نسخه نویسی در تمدن اسلامی، ساختار نسخه های خطی (مرقع، بیاض و...)، جایگاه کاتب در تمدنهای باستانی و در تمدن اسلامی و تصرفات متذوقانه و لغزشهای آنان، ابزار و مصطلحات نسخه شناسی (مانند کاغذ، جلد، خط شناسی و...)، جایگاه رسم الخط در نسخه شناسی، گونه های زبان در نسخه های خطی است.

مباحث بخش دوم شامل: مراحل نسخه شناسی (شناخت توصیفی نسخ، نسخه شناسی تاریخی، نسخه شناسی تطبیقی و...)، نسخه شناسی منظومه ها و دیوانها،